



۲۰۱۷/۰۱/۲۳

مصطفی عمرزی

## اموال غیر منقول سیاسی



غصب قدرت با تحکیم موضع سیاسی، منافع گروهی و شخصی، بخشی از روایت تاریخ معاصر افغانستان از 7 ثور تاکنون است. حاکمیت های افراطی با استبداد گروهی، فردی و حزبی، زمانی که در مسیر انحصار سمتی، زبانی و قومی، معضلات حاد می شوند، یکی روی دیگر رجز خوانده اند و بی خیال از درس های تاریخ، از پایشی دم می زدند که روزی ببرک کارمل «انقلاب برگشت ناپذیر ثور» می خواند. آن رویداد شوم، بر حسب عادت تاریخ، هرگز بازنگشت، اما تکرار تاریخ، سیمای دیگری از «می آید» ترسیم می کند که در دهمین ریاست دولت افغانستان (اشرف غنی) همچنان در حال تحول است.

حزب دموکراتیک خلق با انحصار قدرت، پخش قباله های سرخ را آغاز می کند و در شادمانی آن پدیده ی در حال تغییر، فراموش می کردند، سهم حقیقتی از مردمان زمین، در جایی که افغانستان شده است، در چند منزل تاریخی، وقتی دولتی و رسمی باشد، در طبیعت متحول تاریخ، آن چه تضمین نمی کند، همان اسنادی بودند که رفقای حزبی، سرخ کرده بودند و حتی با حضور شوروی به جایی نرسید که بر اساس یک سند عرفی، قرن هاست افغانان را در داد و ستد، بیشتر از فرامین میلینتاریسم دولتی، صاحب ملک و زمین می کند.

رفقا با دل مُرده گی از عدم بازگشت انقلاب برگشت ناپذیر، فراری می شوند و نوبت به سیاهی لشکر هایی می رسد که فکر می کردند با برپایی مراسم دینی، قباله های انحصار، چور و چپاول آنان، وقایه ی الهی می شود. چهار سال پوست کندن تنظیم ها برای غصب قدرت، قباله جات تنظیمی را در دوسیه ی خیانت رفقای پیشین، در جلد دوم سلسله ی اداری تاریخ افغانستان ثبت می کند و ولگردان سلاح به دست، به روستا هایی بر می گردند که صاحبان آن جا ها، در دست نوشته های عرفی، اما با ارزش، مطمئن بودند. تحریک اسلامی طالبان، هرچند در شرافت اسلامی و حضور، بهای خویش در برابر همکسوتان شر و فساد را بلند می برد، اما تلاش آنان برای حفظ و انحصارات ملایی، که در شدت برپایی مراسم دینی، کمتر از امیدواری تنظیم های فاسد را داشتند، به همان نتیجه ای نمی رسد که در

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولۍ

تحمیل شکم گرسنه گی، فقر، استبداد و هرچه خواستند در حق مردم کردند، می خواستند با بلندبردن سطح عبادات، گویا پروردگار را اغفال کنند که با ستر هزاران عابد سلاح به دست، واقعیت هایی پنهان می شوند که مردم مظلوم ما در آن حاکمیت می دیدند حاکمیت ملایی، در گرایش به انحصار و ساخت قباله جاتی که کم رنگ تر از قباله های رفقا و برادران نبودند، بی میل نیستند مفهوم «نعمات الهی» در توجه به زنده گی را نیز از نظر بیاندازند؛ هرچند تعهد کرده بودند به وصل جنت، قانع باشند.

هنوز هنر حکومت داری، واقعیت ها در برابر ملایان را قرار نمی دهد که طرفداران افراط در دینیات، مجبور می شوند در آینده ی مبارزه ی مسلحانه، همان قدر قناعت کنند که مفسران استخبارات منطقه سفارش می کردند از تخریب کشور خویش- به سطح میز و مدرسه- سهم شما در انحصار «بنات» بهشتی محفوظ می شود.

قباله جات طالبان نیز باطل می شوند و نوبت به دو گروه خیر و شری می رسد که یکی در نوبت چهار سال «چلش» قباله های تنظیمی، زود فراموش کرده بودند آن چه در فرصت نو می کنند، درست در مسیر تحول تاریخ، هرچند سر به غصب هزاران زمین ملکی و دولتی در داستان حضور و انحصار رسانده است، اما در گذشته و در آینده ای که خوردند و می خوردند، حکایت نو دارد که وقتی ثبات اجتماعی در تضعیف نظام متکی بر مردم و مملکت آسیب دید، حال- ماضی می شود و در آینده ای که می آید، دیری نیست که صاحبان جدید با قباله جاتی ظهور کنند که اگر نظام، عاری از فساد باشد، اصل «باز جوید روزگار وصل خویش» در مردم و صاحبان خرد، در ثواب خدمت به مملکت، دخیل می شود؛ اما اگر در کجی بنایی که برپا کرده اند، سلسله ی اتفاقات وخیم از تنوع حاکمیت سیاسی، وابسته، حزبی، قومی و زبانی حکایت می کند، هرچند در این تکرار، ضرر است، اما بگذاریم مردم ما خوشحال شوند تاراج، چور و انحصار ملک و دارایی ها، برای کسانی نیز نماند که در تمام حاکمیت کرزی و در تجربه ی غنی، در حالی که خوردند و می خوردند، اما وجود آنان برای مردم و مملکت، به جلابانی می ماند که فقط چنه می زنند تا این کشور در بازار فروش سیاسی، از هستی اش ساقط شود.

کوتاه نظران انحصارگر، بار دوش ملت و مملکت، طالبانی شده اند که بر اثر توهم جهالت، عادت وابسته گی و فقدان شعور مغز های جمود شده، نوبت چور گرفت اند، اما در زمان داد، ژست می گیرند که از زمان تولد تا نوعیت مستعمل، باید قباله بسازند که این کشور و خاک اش در دوسیه ای محفوظ بماند که پس از 10 سال نبرد خونین، حتی حمایت جامعه ی جهانی، امیدواری نمی دهد آن چه را محصولات جنگ سرد، انحصار کرده اند، واقعاً برای آنان می ماند؟! نسل اول زاده ی جنگ در آغوش والدان خود، دفن، آواره و معلول شدند. نسل دوم در دورنمای مستقبل تار، آموخته است گام هایش بر زمینه ی سیاسی، نیابست برای زنده گی ای استوار باشد که در ثبات اجتماعی شکل می گیرد. ما می دانیم که نوبت تغییر قباله جات اداره ی ائتلاف و معامله نیز می رسد. اگر کرم پروردگار، شانس ملت آورد، امیدوارم اسناد مالکیت این کشور، درج نام افغانان را بار دیگر رسم کند. اگر چنین شد، امیدوارم به زودی آن هزاران خاک مقدس وطن را که از 7 ثور تا استمرار زمان حال، در نوبت اسناد کنونی نوشته اند، به زودی در مصادره ی ملت، به مردمانی تقدیم کنند که قاتلان عزیزان و ویرانگران ماوهای آنان با حق تقدم به اصطلاح جهادی و مقاومتی در تمام جغرافیای این مملکت غصب کرده اند. امیدوارم روزی دیر نباشد که مایملک تنظیمیان را از شهرک های وزرایی (شیرپور) تا گسترده گی ولایات، با تمام امکانات صاحبان کنونی، در صف طویل، به کسانی که در چهار سال حاکمیت ننگین تنظیمی، عزیزان و خانه های شان را از دست دادند، به عدالت توزیع کنیم.

پای

د پانیو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خیر و لولئ